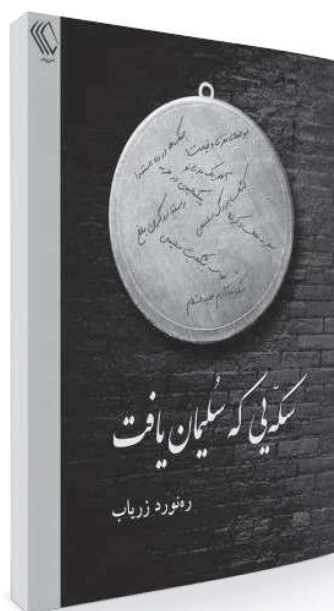


گزارش از:

# سکه‌ای که سلیمان یافت؛ رمانی از رهنورد زریاب



و رمان آفریده است و در قالب داستان کوتاه و بلند متن آفریده است که این کار ارزنده و ستودنی‌اش نه کتمان‌شدنی و نه کم‌ارزش و نادیده‌گرفتنی است. مجموعه‌های داستان‌های کوتاه (شهر طلسم شده، مردی که سایه‌اش ترکش کرد، دزد اسپ و باران می‌بارید، سگ و تفنگ، مارهای زیر درخت‌های سنجد و...) رهنورد زریاب و رمان‌هایش (گلنار و آینه، چارگرد قلا گشتم، شورش که آدمی زادگان و جانورکان برپا کردند، درویش پنجم، کاکه شش‌پیر و دختر شاه‌پریان، سرانجام هم سکه‌ای که سلیمان یافت) و مجموعه دیگری به نام «... و شیخ گفت» که مجموع داستانت‌ها (داستان + حکایت)‌هایش است و همه گواه این ادعایند. همچنان مقاله‌های پژوهشی زیادی نیز دارد که تعدادی از آن‌ها تحت نام «چه‌ها که نوشتیم» چاپ و منتشر شده است که هر یک آن‌ها در نوع خود ارزشمند و قابل قدر است.

با آن‌که رهنورد زریاب به روزگار پیری رسیده است و غبار پیری در سر و صورت او نشسته است، با آن هم با داستان کوتاه و بلند، قلم و نوشتن و هنر و فکر کردن وداع نگفته است؛ زیرا او هنوز هم با انگیزه‌تر و نیرومندتر تلاش می‌کند تا آن پیوندی را که قبلاً یاد کردم، محکم‌تر و ناگسستی‌تر سازد. چاپ و انتشار رمان «سکه‌ای که سلیمان یافت» ادامه

تازه‌ترین رمان رهنورد زریاب، پیش‌تاز ادبیات داستانی افغانستان به نام «سکه‌ای که سلیمان یافت» در تاریخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ خورشیدی در «مرکز فرهنگی شهر کتاب» با حضور جمعی از دانشجویان، فرهنگیان و نویسندگان رونمایی شد. ادبیات داستانی افغانستان با نام رهنورد زریاب گره خورده است و پیوند ناگسستی دارد. به نظر می‌رسد این پیوند هم‌چنان محکم خواهند ماند. او با داستان‌های کوتاه و بلند جدی و گاهی ساده که تا کنون آفریده است، تا حدی زیادی ادبیات داستانی افغانستان را به مردم و ملت‌های دیگر شناسانده است. مبالغه‌آمیز نخواهد بود که اگر بگوییم داستان‌های رهنورد زریاب آبروی ادبیات داستانی افغانستان است و مردمان دیگر اگر بخواهند ادبیات داستانی افغانستان را بشناسند، لازم است که مجموعه‌های داستانی زریاب و رمان‌های او را نیز ورق بزنند و ببینند که در این خاک ادبیات داستانی چه حال و هوایی داشته است. این سخن به معنای این نیست که نویسندگان دیگر افغانستان در این عرصه هیچ گامی بر نداشته‌اند و قلمی نزده‌اند، یا به این معنا هم نیست که ادبیات داستانی افغانستان با داستان‌های رهنورد زریاب به اوج رسیده است؛ بلکه درستش این است که او بیشتر از هر داستان‌نویس و رمان‌نویس این سرزمین داستان کوتاه



استاد زریاب (سکه‌ای که سلیمان یافت) تفاوت اساسی با کارهای داستانی دیگر استاد زریاب دارد. در این رمان هم خود استاد حضور دارد و خواننده آن و هم کسی که رؤیای نویسندگی در سر دارد و شکلی از اشکال درگیر واقعیت است. استاد زریاب در این رمانش در کنار، به تفکر هم جایگاه بلندی در نظر گرفته است و آن را مهم دانسته است. «تقی‌آبادی در ادامه سخنانش زریاب را نویسنده دقیق خواند و گفت: «استاد زریاب در همه داستان‌هایش به عنوان یک نسل سالم حضور داشته است. نویسنده‌ای که می‌تواند یک جمله درست بنویسد، می‌تواند اندیشه و تفکر هم بیافریند.»

پس از این‌ها استاد رهنورد زریاب صحبت کرد و از اصطلاح مرگ مؤلف یاد کرد، این که پس از آن که اثر هنری خلق می‌شود و چاپ و منتشر می‌گردد، مؤلف می‌میرد و چیزی که پس از مرگ مؤلف عرض وجود می‌کند، خواننده و متن است. بنابراین، ایشان افزود که من در مورد این اثر حرفی برای گفتن ندارم و همه آن چه را که باید می‌گفتم و گفتنی داشتم، در «سکه‌ای که سلیمان یافت» گفته‌ام. او در مورد انگیزه و چگونگی و مدت زمان نوشتن این رمان حرف نزد و حتا نگفت که اکنون این اثرش چاپ و رونمایی می‌شود، چه حسی دارد.

همچنان او در رابطه به نوشتن صحبت کرد و گفت که شرط اول نوشتن، تسلط داشتن بر زبان و دستور زبان است: «(شرط اول نویسندگی درست نوشتن است. من در این کتاب و دیگر کتاب‌هایم توجه بیش‌تر به درست‌نویسی و دستور زبان کرده‌ام، دولت‌مردان ما اصلاً درست نوشتن را یاد ندارند؛ حتی بعضی استادان دانشگاه‌های کشور ما نمی‌توانند چند جمله درست بنویسند.

اداره نشریه

همان تلاش‌های گذشته و زدن گره دیگر بر گره‌های قبلی است. جلسه رونمایی رمان «سکه‌ای که سلیمان یافت» با خواندن قسمتی از رمان توسط زبیر رضوان، یکی از شرکت‌کنندگان و علاقه‌مندان ادبیات داستانی شروع شد و با سخنرانی محمدیاسین نگاه و یامان حکمت تقی‌آبادی ادامه یافت و با سخنان خود رهنورد زریاب به پایان رسید. محمدیاسین نگاه، استاد دانشگاه، منتقد و بنیانگذار مرکز فرهنگی شهر کتاب در مورد اهمیت کار رهنورد زریاب و جایگاه او در میان داستان‌نویسان و رمان‌نویسان کشور و نقش داستان‌های ایشان در ساختمان ادبیات داستانی افغانستان صحبت کرد. پس از آن در مورد رمان «سکه‌ای که سلیمان یافت» پرداخت و آن را رمانی با درون‌مایه فکری و معرفت‌شناسانه دانست. او افزود: «استاد زریاب پس از برگشت از فرانسه، شانزده سال است که برای جامعه ادبی ما خدمت می‌کند. رمان «سکه‌ای که سلیمان یافت» تازه‌ترین کار استاد زریاب است که با درون‌مایه فکری و معرفت‌شناسانه نوشته شده است.» نگاه، چاپ این اثر داستانی رهنورد زریاب را به نویسنده، جامعه ادبی و اهل خواندن و نوشتن تبریک گفت و آرزوی بهبودی وضع نوشتن و آفریدن را در کشور کرد.

پس از آن یامان حکمت تقی‌آبادی، استاد دانشگاه آزاد اسلامی روی صحنه رفت و در مورد وضع ادبیات داستانی در افغانستان و نقش نویسندگان به خصوص رهنورد زریاب صحبت کرد. او این اثر رهنورد زریاب را با اثرهای دیگر داستانی‌اش که در گذشته نوشته و منتشر کرده است، مقایسه‌ای کرد و این رمان را متفاوت‌تر و برجسته خواند. از جمله ویژگی‌های که رمان «سکه‌ای که سلیمان یافت» را از رمان‌های دیگر رهنورد زریاب متفاوت جلوه می‌دهد، حضور هم‌زمان خود نویسنده و خواننده داستان و توجه نویسنده در کنار تکنیک به تفکر است: «رمان